

مستط

وبسگیهای تاریخی آن

با ایران

بستم

مُحَن مِغْنَم

کتاب و مقالات محققانه‌ای درباره خلیج فارس و بندرعباس که حاکی از مسائل تاریخی و سیاسی و اقتصادی از ادوار باستانی پیش از ظهور اسلام تا بحال میباشد با اندازه کافی طبع و نشر گردیده و آنچه که بیش از همه نظر را جلب میکند دوران باشکوه و جلال این منطقه در عهد فرمانروائی شاه عباس کبیر است که با سیاست و شجاعت فوق العاده‌ای توانستند است به تسلط یکصدساله بر فعالیها خاتمه داده و دست اجانب و ستم گران را از بندر که برون و جزیرتین قشم و هرمز و محال عیسین و تازیان و شمیل و میناب و بیابان و بندر خمیر و دیگر نواحی آن کوتاه سازد. موقعیت تاریخی و

جغرافیائی يك اين نقاط و خصوصاً صحنه های نبرد خونین سربازان ایرانی با نیروی دریائی خارجیان اشغال گر بسیار قابل مطالعه و سودمند است و خوشبختانه در چند سال اخیر منابع مفیدی در مطبوعات ایران وجود دارد که میتواند مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.^۱

و اما راجع به بندر عباس یا بندر کمبرون:

شاه عباس پس از تسلط کامل بر سواحل جنوبی ایران مایل بود بندر کمبرون را مرکز بازرگانی خلیج فارس گرداند و بدین مناسبت به آبادانی شهر هر مز توجهی نکرد و آن شهر که پیش از آن از شهرهای زیبای مشرق زمین بشمار میرفت و در ثروت و جلال شهره آفاق بود یکباره روبه ویرانی گذاشت و دیگر لنگرگاه دریانوردان و سوداگرانی که از راه هندوستان با کشتیهای انگلیسی و هلندی به ایران میآمدند به بندر کمبرون تخصیص داده شد و دولت ایران باینای قلعه تازه ای بیاس خدمات و فتوحات شاه عباس نام کمبرون را بنام بندر عباس نام گذاری نمود.

در تاریخچه حکام بندر عباس نام صید سعید خان امام مسقط نیز بچشم میخورد که در دوران سلطنت ناصرالدین شاه بموجب قراردادی که بامشورت حاجی عبدالمحمد کازرانی و اهتمام میرزا آقاخان نوری صدراعظم تنظیم گردیده حکومت بندر عباس باو تفویض شده است. (۱۲۷۲ قمری)

اصل این قرارداد که در شانزده ماده تنظیم شده و بامضای صید سعید بن سلطان و پسرش ثوینی و برادرزاده اش محمد بن سالم رسیده و همچنین اصل نامه ای بمهر صید سعید مبنی بر اظهار و قبول تبعیت او از دولت ایران، خوشبختانه موجود است و اگرچه متن آنها در تاریخهای دوره قاجاریه مانند ناسخ التواریخ و روضة الصفا ناصری نیز درج شده است^۲ ولی به سبب اهمیت خاصی که این دو

(۱) به دو جلد نشریه سینا در خلیج فارس و کتاب بندر عباس و خلیج فارس تألیف محمد علی سعید السلطنه و همچنین به کتاب مطالعاتی در باب بحرین و خلیج فارس بقلم دانشمند فقید عباس اقبال رجوع شود.

۲ - ناسخ التواریخ جلد قاجاریه چاپ سرهنگ جهانگیر نام مقامی ج ۳ صفحات ۲۹۴ - ۲۹۸ و روضة الصفا ناصری چاپ سنگی صفحه های ۵۴۸ - ۵۴۹

سند در تاریخ بستگیهای امارت نشین مسقط با ایران دارد ما عکس آن‌ها را با توضیحاتی در اینجا از نظر خوانندگان مجله نفیس بررسی های تاریخی که مساعی و کوشش صادقانه گردانندگان آن در نشان دادن اسناد و مدارک موثق و معتبر برای روشن کردن گوشه‌های تاریک تاریخ ایران بتمام و کمال امیدبخش محققان و نویسندگان است، میگذرانیم:

در سال ۱۲۲۵ قمری مقارن با اوائل سلطنت فتحعلیشاه قاجار فتنه و هابیهها دامنگیر مسقط شد و امام مسقط برای رفع و دفع آن از دولت ایران استعانت طلبید و والی فارس بموجب فرمان فتحعلیشاه از عهده این مهم برآمد و فتنه و هابیهها را از ناحیه مسقط آوگاه ساخت.

یکسال بعد از این واقعه مناقشه‌ای بین امام مسقط و سیف بن مالک و محمد بن سیف که از یک سلسله و طایفه بودند بوقوع پیوست و بالنتیجه بعضی از قراء و بلوک ناحیه عمان از توابع مسقط توسط سیف بن مالک محاصره و تصرف گردید. سید سلطان امام مسقط مجدداً متوسل به حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس شد. فرمانفرما نیروئی بسر کرده گی صادقخان قاجار دولو به آن سامان فرستاد و او مخالفین را مغلوب و قلاع متصرفی را مفتوح داشت.

امام مسقط از آزرمان از دربندگی و اخلاص درآمده و در مقابل مبلغ معینی خواستار حکومت بندرعباس گردید ولی عمرش کفاف نداد و فرزندش بنام صید سعید از نقشه پدر پیروی کرد و حکومت بندرعباس را توأم بالقب خانی بدست آورد.

در دوره سلطنت محمدشاه که مبالغ بیشتری از امام مطالبه شد، امام از پرداخت آن سرپیچی نمود ولی شیخ سیف خان فایب اودر بندرعباس که مردی کاردان و لایق بود در مقابل سپاه فارس بسر کردگی نصرت الدوله و سپاه کرمان به سر کردگی مؤید الدوله، سر تسلیم فرود آورد و مالیات و پیشکش را بالمضاعف کارسازی نمود و بهمین قاعده و رسم متعهد خدمات سنوات آتیه نیز گردید.

چون درآمد بندرعباس روز بروز رو به فزونی بود، حاجی محمد رحیم

خان نامی که اهل شیراز و در بندر بمبئی به تجارت اشتغال داشت حکومت بندرعباس را با شرایط بهتری از دولت ایران مستدعی شد و دولت هم پیشنهاد او را پذیرفت.

اما امام مسقط که از این وضع ناراضی بود هنگامی که حاکم جدید به بندرعباس میرفت، با نیرنگ طالب ملاقات او شد و در این ملاقات بدست صیدئونی دستگیر شد و او را در جزیره هرمز زندانی کردند. و شیخ سعید به استحکام قلعه و حفر خندق در بندرعباس پرداخت و جمعیتی از مسقط و جزیره قشم فراهم ساخته سر به عصیان برداشت.

دولت ایران بمحض اطلاع از این هنگامه، طهماسب میرزا مؤیدالدوله حاکم فارس را مأمور سرکوبی او نمود و شیخ سعید چون از نهضت لشکر فارس مستحضر شد قوای بیشتری تهیه نموده و به بارزه پرداخت ولی تاب مقاومت نیاورده با شکست مواجه و بسوی مسقط فراری گردید.

بندرعباس بعد از مدتی آرامش مجدد آمد و حمله مسقطی ها اقرار گرفت که با تدبیر و کاردانی مؤیدالدوله قوای شیخ سعید در هم شکست و باز آرامش کامل در بندرعباس برقرار گردید و باقر خان تنگستانی مأمور محافظت بندرعباس شد. صید سعید خان که مردی سالخورده بود دانست که در گسیختن رشته اطاعت دولت ایران جز خسارت و زیان، صرفه نخواهد برد؛ بناچار از در اطاعت در آمده چند رأس اسب عربی و چندین تفنگ و یکرشته مروارید گرانها به وسیله حاجی عبدالله نامی به تهران فرستاد و از آنسوی نیز حاجی محمدعلی را که مشیر و وزیر او بود روانه بندر بوشهر نمود تا حاجی عبدالله محمد کازرانی رئیس تجارت بوشهر را واسطه کار صید سعید نماید. حاجی عبدالمحمد مراتب را بتفصیل بدولت ایران گزارش کرد و سرانجام بر اثر اهتمام او متمنیات امام مسقط مورد قبول دولت ایران واقع گردید و قراردادی در ۱۶ ماده میان او و دولت ایران بسته شد.^۳

۳ - برای آگاهی بیشتر درباره مسأله بندرعباس و نظریات امام مسقط و تحریکات انگلیسها و فرانسویان خوانندگان گرامی را به کتاب بحرین و مسائل خلیج فارس تألیف سرهنگ جهانگیر قائم مقامی چاپ تهران سال ۱۳۴۱ که مستند براسناد و مدارک موجود در بایگانیهای رسمی و دولتیست از س ۱۳۵ تا ۱۵۳ حواله میدهم.

این است متن قرارداد :
 هو الله تعالی شأنه

چون بر حسب امر و اجازت اولیای دولت قاهرة الباهره خلد الله تعالی دوام شو کته و امره حکومت بندر عباسی و جزیرتین قشم و هرموز و محال عیسین تازیان و شمیل و میناب و بیابان و بندر خمیر که همگی ملک مختص دولت ایران است از قرار شروط و قیود شانزده گانه مقرر مفصله بکار گذاران (کذا) جناب جلالت و نبالت پناه مجددت و نجدت و شوکت انتباه شهامت و ایسالت و بسالت همراه صید سعید خان امام مسقط و عمان و اگذار و مفوض کردیم که از قرار همین شروط و قیود مقرر رفتار نموده و هیچ شرطی از شروط را مهمل و متروک نگذارند .

اولاً آنکه حاکم بندر عباسی باید تابع این دولت باشد و مثل سایر حکام فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس باشد و نوشته خدمت اولیای دولت بسیار د که من از تبعه دولت ایرانم .

ثانیاً هده ساله مبالغ شانزده هزار تومان از بابت مالیات و پیشکش و تعارف از اوبدار الخلافه طهران یادار العلم شیراز از قرار تفصیل در چهار قسط کارسازی نموده از کار گذاران (کذا) دیوان اعلی سند خرج بگیرند .

مالیات	۱۲۵۰۰ تومان
پیشکش استمراری بندگان صدراعظم	۲۰۰۰ تومان
پیشکش سرکار فرمانفرمای فارس	۱۰۰۰ تومان
تعارف مقرب الخاقان شجاع الملک	۵۰۰ تومان

ثالثاً خندقی که بنا گذارده در دور بندر عباسی حفر می نمودند بر نمایند و بعد از این هم ابداً خندق را حفر نکنند .

رابعاً مدت بیست سال اختیار حکومت آنجا با جناب امام مسقط و اولاد و امجاد او باشد بعد از انقضای مدت بیست سال آنجاها را معمور و آباد بدولت و اگذار نمایند اگر در ثانی باز اولیای دولت خواستند حکومت آنجا را با امام مسقط و اولاد او اگذار نمایند باقتضای رأفت ، فرمان و دستور العمل خواهند

داد والا اختیار خواهند داشت که خود تصرف کرده حاکم دیگر بگمارند .
 خامساً بیدق دولتی با چند نفر مستحفظ بیدق و یک نفر قد کرده چی همیشه
 در آنجا بوده رعایت شرائط احترام بیدق دولت را منظور دارند که در هر ماه
 چایار دولت بجهة آوردن روزنامه و سرکشی بیدق و عمله بیدق بآنجا بیاید
 و در ایام اعیاد و روز مولود مسعود بندگان اقدس شهر یاری روحنا فداء توپ
 شادی و مبارک باد بلند آوا سازند و همچنین هر شب و صبح شلیک توپ وارده نمایند .
 سادساً حکام بندر عباس و رعایا و قاطبه ساکنین آنجا که در دست حاکم
 بندر عباس خواهند بود و در این چند سال خدمت بدولت کرده اند بهیچوجه
 در مقام ایذا و اذیت و بهانه جوئی با آنها بر نیایند و کمال رعایت و سرپرستی
 از آنها بعمل بیآورند .

سابعاً حاکم بندر عباسی سوای از بندر عباس و جاهائی که در عهد خاقان
 علیین آشیان فتحعلی شاه میروید . در دست داشته و حال نیز مرقوم است زیاد
 از آن بجای دیگر دخل و تصرف نکند .

ثامناً هر وقت فرمانفرمای فارس یا حکمران لارستان بر سبیل تفرج و
 شکار خواسته باشند بآنجا بروند حاکم بندر عباس مثل سایر حکام شرائط
 خدمتگذاری (کذا) و استقبال و لوازم احترام بعمل آورد .

تاسعاً اگر برای حکام فارس یا کرمان بجهت مهمی لازم شود که قشون
 به صفحات کج و مکران و بلوچستان بفرستند مثل سایر حکام ولایات در لوازم
 خدمت و رساندن سیورسات و بدرقه و اینطور چیزها اهمال نکرده و خودداری
 ننمایند .

عاشراً اگر فرمانفرمای فارس قصوری در خدمتگذاری (کذا) حاکم بندر
 عباس مشاهده نماید بمحض اخبار بجناب امام مسقط بدون عذرو اهمال فوراً او را
 عزل کرده حاکم دیگر که امام مسقط مصلحت بداند و در اطاعت حاکم فارس
 باشد بجای او بگمارد .

حادی عشر هر گاه از رعایای لارستان و صیبه و سایر مملکت فارس یا از رعایای

مماکت کرمان بآنجا بیایند و بآنحدود فرار کنند بمحض اظهار و اعلام ضابط آن محل بموطن اصلی معاودت دهد .

ثانی عشر این شروط و قرارداد باجناب امام مسقط صید سمیدخان حی و حاضر و اولاد و امجاد او است اگر متغلبی مالک عمان و مسقط بشود دولت ابد مدت را با او شروطی و قراری نیست .

ثالث عشر مادام که بندر عباس و جزیرتین مرقومتین و شمیل و میناب و سایر متعلقات آنها در دست کسان جناب امام مسقط است احدی از مأمورین دول خارجه را در آنجا راه ندهند و متعهد شوند حفظ و حراست آنجا را که در دست او است برآ و بحرأ با انضمام هر مکان و محلی که استعداد توقف جهاز و بغله و کشتی جنگی داشته باشد و لنکر گاه بر آن صادق آید که از خاک اولیای دولت مفوض به او است صراحتاً متعهد بشود که جمیع حدود و سنور امکانه مذ کوره را از مداخله و دست برد غربا و اجنبی اعم از راه دوستی و دشمنی باشد محفوظ بدارد و وقتاً من الاوقات بهیچوجه نگذارد يك کشتی و بغله و جهاز و یکنفر محارب و دشمن با اسلحه یابی اسلحه خواه عرب یا غیر عرب یا از دول خارجه از حدود امکانه مذ کوره بخیال عداوت یا دشمنی یا به بهانه دیگر یا بخاک این دولت و بجاهائی که در دست حاکم بندر عباس است بگذارد .

رابع عشر امام مسقط حق ندارد که بندر عباس و ولایات مزبور را اگر بشرائط مذ کوره هم باشد بدیگری اعم از دول خارجه و غیره واگذار نماید مگر باید بموجب قرارداد بدست خود آن باشد و یکنفر از کسان و منسوبان او در بندر عباس و آنولایات از جانب او دخل و تصرف کند لا غیر و بشرائط مرومه باید عمل نماید .

خامس عشر از قراریکه تجار و تبعه دولت علیه ایران بعرض رسانیدند سابقاً شخص هندی مستأجر گمر کنخانه مسقط، عاملی از جانب خود مقیم بندر عباس مینموده است و تنخواه مال التجاره تبعه دولت علیه ایران را که از عباسی حمل هندوستان و جای دیگر میشد عشور مسقط را در بندر عباسی دریافت میکرد و حال آنکه در هیچ دولت و ولایتی چنین رسمی نیست تنخواهی که

وارد ولایتی نشود مع ذلک عشور آن ولایت را از آن تنخواه اخذ و دریافت کنند چون این فقره بدعت و خلاف قاعده است لهذا باید امام مسقط این فقره را موقوف دارد تا رفع این بدعت بعدالیوم بالمره شده باشد و اجناس مال التجاره که از طرف بروبحر وارد عباسی شود آنهم بنحوی که شیخ سیف در حال حیوة خود عشور میگرفت بگیرند و زیاده از سابق مطالبه عشور نمایند

سادس عشور تنخواه تجار محمره در جزیره قشم باید به بندر عباسی آورده بتوسط عالیجاه خیر الحاج حاجی عبدالمحمد ملک التجار بندر بوشهر بوکلای تجار که ساکن عباسی هستند تحویل داده و قبض الواصل در سافت و ارسال دار الخلافه الباهره نماید^۴.

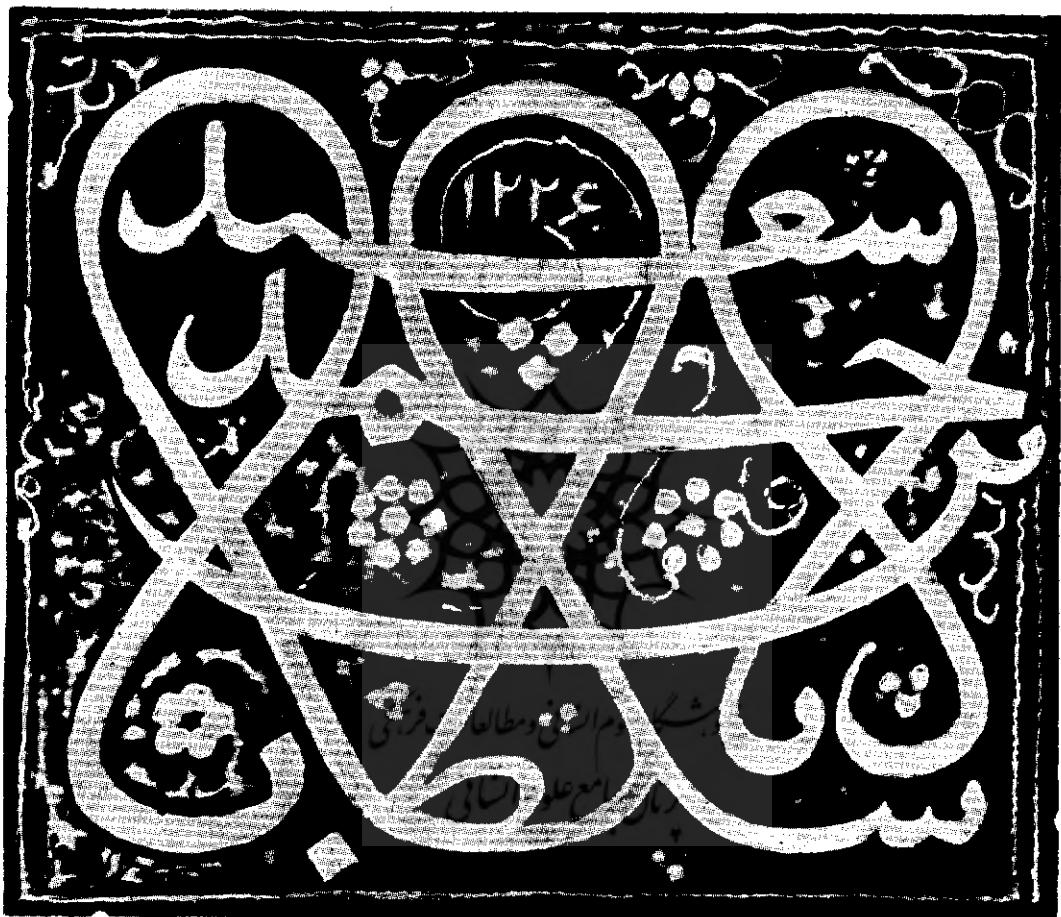
حررفی عشرين من شهر شعبان المعظم سنة ۱۲۷۲ مطابق سال لوی ثیل بموجب تفصیل هذه سنتت عشر القیو و والشروط المقررات المسطورات فی هذا الورقة الذی امناء الدولة العلیة الايران قدره صحیح و قبول و انشاء اله من بعد الیوم من طرفنا بالوقع اختلاف ابدأ حررفی ۲۰ شهر شعبان ۱۲۷۲ صحیح و قبول ذلك مما مکتوب الفقیر الحقیر سعید بن سلطان احمد

مهر امام مسقط

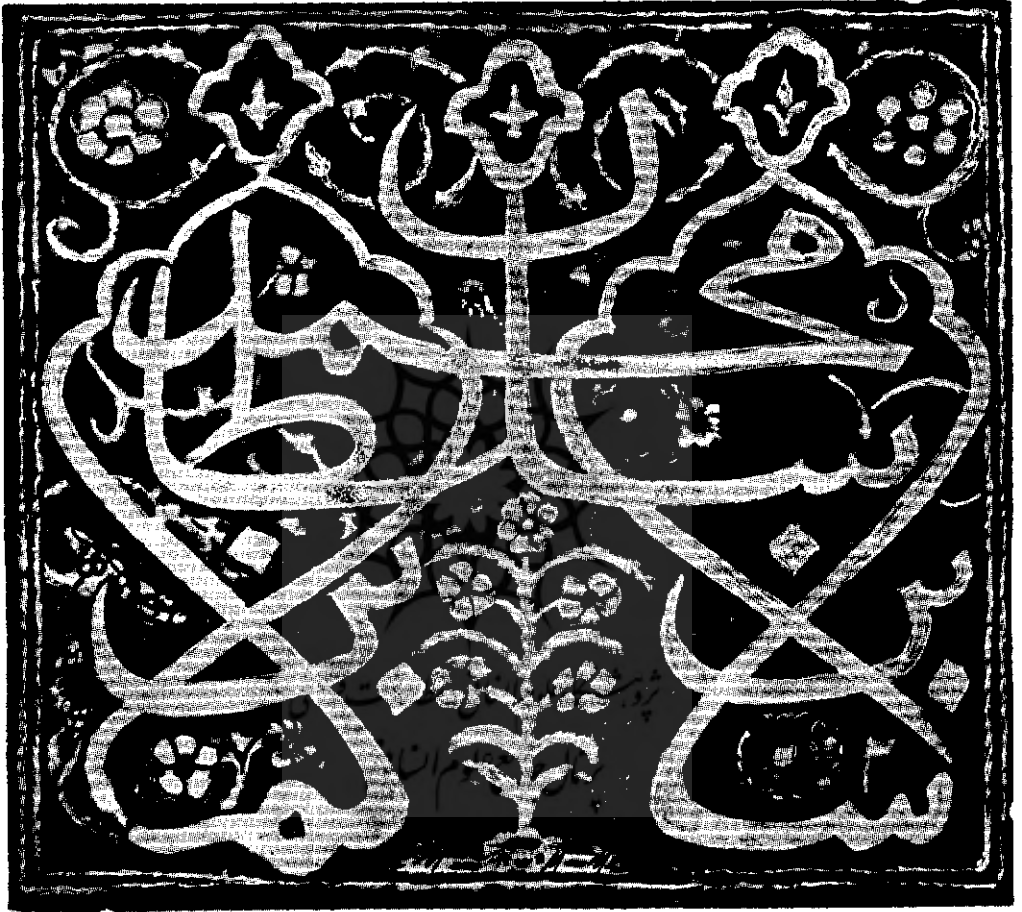
صحیح الفقیر لله محمد بن سالم بن سلطان
محل مهر

صحیح است ثوین بن سعید بن سلطان
محل مهر

۴ - طرح نخستین این قرار داد شامل ۱۷ ماده بوده ولی بعداً ماده هفدهم که مبنی بر ضمانت دولت فرانسه از سعید سعید میبود حذف گردید . درباره این موضوع رجوع کنید به کتاب بحرین و مسائل خلیج فارس تألیف سرهنگ دکتر قائم مقامی صفحه ۱۴۵



مهر سعید بن سلطان احمد امام مسقط و عمان در سال ۱۲۲۲
که هر ضلع آن پنج برابر بزرگتر شده است .



مهر محمد بن سالم بن سلطان که هر ضلع آن پنج برابر از اصل بزرگتر شده است.

صواد نوشته تبعیت حاکم بندر عباسی است

بنده در گاه آسمان جاه سلطان سعید بن احمد خود را از تبعه و چاکران
 و بستگان دولت ایران صانها الله تعالی عن العدثان میدانم. حکومت عباسی و
 جزیرتین قشم و هرموز و شمیل و میناب و بیابان و عیسین و تازیان که واگذار
 باین بنده در گاه آسمان جاه سلطانی شده است متعهد است که تنخواه قسط
 دیوانی بندر عباس و سایر را موافق تشخیص در رقم مرحمت شیم قسط بقسط
 بدون تعطیل کارسازی نمایم و اسناد خرج بجهة خود صادر کنم و در سرپرستی
 رعایا و آبادانی آنجا کمال اهتمام را بعمل آورم و امری که منافی رأی اولیای دولت
 قاهره باشد بر آن اقدام نوزم و اگر خدای نخواستہ سهواً ترک ادبی و خلاف
 حکمی از بنده در گاه صادر شود حکمش با اولیای دولت است هر آنچه بفرمایند
 مختارند. حروفی ۲۰ شهر شعبان ۱۲۷۲ مطابق لوی ٹیل خیریت تحویل .
 اقرو اعترف اقل العبد بانه من المطيعيت التابعيت لهذه الدوله العليه في الاوامر
 والنواهي في خدمات الديوان الاعلى بالصدق والطاعته والاخلاص وايصال الديون
 قسط بعد قسط بلا اهمال كتبه اقل العبد سعید بن احمد بن ناصر في يوم ۲۰ شهر شعبان
 سنه ۱۲۷۲

محل مهر حاکم بندر عباسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

سواد نوسه بعیت عالم بندرجاستی

بند درگاه اسماں چا سلطان سید بن محمد ازبک و جلالت و شجاعت این صاحب کرامت
عزیز کمان سید عالم حکومت عالی و عزیزین ششم و برزور و شمشیر و خاب و بیان و عس
و زبان و اولاد بیخ بند درگاه اسماں چا سلطان شریک سعادت و شجاء قطره اولاد
بندرجاستی و سایر اموال شخصی در رقم حکومت ششم فقط بقصد مدد و تعمیر کارزار عالم
دیناد و خرج کجه خود صادر نم در درجه بر سر کار را ما دارا حال تمام بهمه ادرم در کار
و نواز و کله ادر است قهر و مشه بران اقام نوررم و الرصد در کجه است بهمه ادر اولاد
رضیف کمر زنده درگاه صادر کجه شمشیر با ادر در کجه است بهمه ادر نوسه کجه است

دو نوشت قسمتی از تمهدنامه سید سعید بن احمد
(اصل دو اسناد رسمی و دولتی)